

## مهمنترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه

<sup>۳</sup> سیده سدره تجمل<sup>۱</sup>، احمد محمدی مجد<sup>۲</sup>، صدیقه محقق<sup>۳</sup>

### چکیده

مسئله رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج، چالشی جدی در روابط زناشویی است که به تنفس، نارضایتی و فروپاشی خانواده‌ها منجر می‌شود. عدم شناسایی و مدیریت این رفتارها باعث تداوم مشکلات و آسیب‌های عاطفی برای هردو طرف می‌شود. شناسایی این الگوها به زوجین کمک می‌کند تا با درک بهتر احساسات و نیازهای یکدیگر به بهبود و تقویت در روابط خود پردازند. مقاله حاضر باروش توصیفی و باتکیه بر دیدگاه فقهای امامیه، مهمنترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رفتار مخرب زوجه در چند بحث تبیین می‌شود از جمله: عدم تمکین، خروج زن بدون اذن شوهر از خانه، دامنه قوامیت بر شوهر، عدم پذیرش ریاست شوهر، عدم رعایت حجاب و عدم رعایت حق زوج در تعیین محل اقامت.

**واژگان کلیدی:** رفتارهای مخرب، زوج، زوجه، فقه امامیه، احکام فقهی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: syedajaffery42@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، مدرسه عالی فقه تخصصی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mmajd.ahmad@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: smohaghagh22@gmail.com

## ۱. مقدمه

رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج یکی از موضوعات مهم و پیچیده در فقه امامیه است که تأثیرات عمیقی بر روابط خانوادگی و اجتماعی دارد. در نظام حقوقی اسلام، خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است و حفظ سلامت واستحکام آن اهمیت ویژه‌ای دارد. در برخی موارد، رفتارهای ناپسند و مخرب زوجه باعث بروز مشکلات جدی در زندگی زناشویی می‌شود. تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در مورد رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج به صورت مختصر و غیرجامع نوشته شده است، اما در مورد مهمترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه مقاله‌ای یافت نشده است. مقاله حاضر از این نظر از مباحث نو و بدیع به شمار می‌رود.

پژوهش حاضر به روش توصیفی به این مباحث عدم تمکین، ترک منزل بدون اجازه زوج، عدم رعایت حق زوج در تعیین محل سکونت، نپذیرفتن قوام مرد و عدم رعایت حجاب اشاره می‌کند. بررسی این رفتارها به زوجین کمک می‌کند تا شناخت دقیق‌تری از حقوق و تکالیف خود داشته باشند و در صورت بروز چنین مشکلاتی راهکارهای مناسب‌تری را اتخاذ کنند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. عدم تمکین در لغت

تمکین در لغت به معنی تسلیم، امکان دادن (آذرنوش، ۱۳۹۶، ص ۶۵۵) و تواناکردن بر چیزی است (صفی‌پور، ۱۳۹۹، ۱۲۰۳/۴۹۳). همچنین به معنای مسلط کردن فرد بر امری نیز آمده است (الزبیدی، ۱۴۱۴، ۱۴۱۴/۵۴۵). خداوند در قرآن می‌فرماید: «مکناکم فی الأرض؛ به آنان در زمین قدرت و توانایی بخشیدیم» (حج: ۴۱).

### ۲-۲. تمکین در اصطلاح فقهی

در فقه، تمکین به معنای اطاعت و فرمان‌برداری زن از شوهر است به ویژه در اموری که اطاعت بر زن واجب است. (سیستانی، ۱۳۹۸، ص ۳۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۳)

### ۳. انواع تمکین در فقه حقوق

#### ۱-۱. تمکین عام

تمکین عام به معنای پذیرش ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره امور مالی و اخلاقی خانواده است و شامل اطاعت زن از شوهر می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۱۷۳/۱؛ رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۵۶)

#### ۲-۲. تمکین خاص

تمکین خاص بدین معناست که زن باید در هر زمان و مکانی آماده برآورده کردن نیازهای جنسی شوهر باشد و این امر را به زمان یا مکان خاصی محدود نکند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱؛ حلی، ۱۴۰۸، ۳۴۷/۲؛ رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۵۷) تمکین خاص یعنی، در اختیار قرار دادن خود به شوهر برای بهره‌مندی جنسی به‌گونه‌ای که مشروط به شرایط خاصی نباشد. اگر زن رابطه زناشویی را به زمان یا مکانی دیگر موكول کند تمکین حاصل نمی‌شود (حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۳/۲؛ قنبرپور، ۱۳۹۱، ص ۲۰۴). اگر زن پس از درخواست شوهر از نظر زناشویی، خود را در اختیار او قرار ندهد ناشزه محسوب شده (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳) و احکام خاص ناشزه در مورد او جاری می‌شود.

#### ۴. موارد سقوط حقوق زناشویی

تمکین زوجه همیشه واجب نیست و در برخی شرایط این وظیفه ساقط می‌شود و عدم تمکین آثار منفی برای زن به دنبال ندارد. علت آن است که شوهر در استیفاده حقوق خود باید بارفتار، امساك به معروف عمل کند و اگر خلاف این رفتار کند تمکین بر زوجه واجب نخواهد بود. در موقعی که عذر عقلانی یا شرعی وجود دارد وجوب تمکین برداشته می‌شود. (حلی، ۱۴۰۸، ص ۵۶۹؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۴۴/۸)

#### ۱-۴. عذر عقلانی

##### ۱-۱-۴. بیماری زن

اگر زن بیمار باشد و رابطه جنسی باعث تشدید بیماری او یا موجب ضرر و مشقت شود که غیرقابل تحمل است، می‌تواند از نزدیکی با شوهر خودداری کند. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۵۸۰/۷) تأخیر در بهبودی بیماری موجود نیز به همین دلیل جایز است (رحمانی، ۱۳۹۶، ۴۵۳).

##### ۱-۲-۴. ضعف جسمانی

اگر زن از نظر جسمانی ضعیف و نحیف باشد و توان آمیزش با شوهر را نداشته باشد، می‌تواند از رابطه جنسی خودداری کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱۲/۳۱)

##### ۱-۳-۴. احتمال ایجاد بیماری

اگر نزدیکی موجب ایجاد بیماری برای زن شود او حق دارد از مقاربت امتناع کند. (رحمانی، ۱۳۹۶، ص ۴۵۳)

##### ۱-۴-۴. بیماری مقارتی شوهر

اگر شوهر به بیماری مقارتی مبتلا باشد و این بیماری با نزدیکی به زن منتقل شود زن حق امتناع از نزدیکی را دارد و ناشزه محسوب نمی‌شود. در صورت امتناع از سایر وظایف زناشویی، زن ناشزه محسوب می‌شود. (تبریزی، ۱۴۲۲، ۵۴۷/۱) اگر نزدیکی برای شوهر نیز ضرر داشته باشد حق زوجه در این باره ساقط می‌شود و ترس از ضرر در این امور کافی است (رحمانی، ۱۳۹۶، ۴۵۳). تحمیل مقاربت در این موارد حرام است؛ زیرا براساس قاعده «لاضرر» اضرار به دیگری حرام است و حق استمتع در این شرایط ساقط می‌شود. فقهاء حق زوج مبتلا به بیماری‌هایی مانند ایدز را در مقاربت جنسی ساقط می‌دانند، چه یقین به سرایت بیماری به زوجه وجود داشته باشد یا فقط احتمال آن.

##### ۱-۵-۴. سفر با اذن شوهر

اگر سفر زن با اذن شوهر باشد این نیز عذری عقلانی است.

## ۴-۲. عذر شرعی

۴-۲-۱. روزه واجب: اگر زن در حال روزه واجب باشد و جوب تمکین ساقط می‌شود. (خویی، ۱۴۱۰، ۲۶۳/۱)

۴-۲-۲. نفاس: در دوران نفاس، زن مجاز به خودداری از رابطه جنسی است. (سیستانی، ۱۳۹۵ و ۹۴/۱، ۲۵۸)

۴-۲-۳. قاعده‌گی: زمانی که زن در دوران قاعده‌گی قرار دارد تمکین بر او واجب نیست. (موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۲۱۴/۲)

۴-۲-۴. استحاضه: در حال استحاضه (قلیله، کثیره و متوسطه) قبل از انجام غسل، وجوب تمکین برداشته

می‌شود. (خویی، ۱۴۱۰، ۶۸/۱)

۴-۲-۵. احرام حج و عمره: در حال احرام حج و عمره نیز زن مجاز به خودداری از تمکین است. (موسوی خمینی،

۱۳۹۷، ۷۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۵۷۷/۷)

۴-۲-۶. سن کمتر از ۹ سال: اگر زن کمتر از ۹ سال سن داشته باشد حق تمکین ساقط است.

۴-۲-۷. روزه یا نماز: اگر زن در حال روزه یا نماز واجب باشد او مجاز به امتناع از تمکین است.

۴-۲-۸. سفر برای امر واجب: اگر زن برای انجام امر واجبی مانند حج، حتی بدون اذن شوهر سفر کند (طوسی، ۱۴۰۷، ۷/۴۱۰؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۸/۴۴۲) ناشره محسوب نمی‌شود: «وکذا سافرت فی واجب مضيق كالحج بغیر اذنه بل ولو مع منعه و نهیه» (موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۱۴؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۸/۴۴۵).

۴-۲-۹. اعتکاف: زمانی که زن در حال اعتکاف باشد، می‌تواند از رابطه جنسی خودداری کند. (حلی، ۱۴۰۸، ۲/۵۶۹؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۸/۴۴۶؛ سیستانی، ۱۳۹۵/۱، ۳۴۴)

۴-۲-۱۰. ناتوانی از غسل یا تیمم: اگر زن نتوانسته باشد غسل یا تیمم کند و وقت نماز رسیده باشد حق امتناع دارد. (موسوی گلپایگانی، بی‌تا، ۱/۲۸۱)

۴-۲-۱۱. عدم انجام طواف نسای: در صورت عدم انجام طواف نسای و نماز آن در حج، وجوب تمکین برداشته می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۲)

۴-۲-۱۲. احرام شوهر: وقتی شوهر در حال احرام است ازدواج با زن و هرگونه استمتاع حرام است تا زمانی که طواف نسای انجام شود. بنابراین، امتناع زن از رابطه جنسی در این حالت نشوز محسوب نمی‌شود. (موسوی خمینی، ۱۴۰۷/۲، ۲/۳۱۲)

## ۵. تمکین متقابل

تمکین، وظیفه‌ای کلی برای هردو همسر در اسلام است، اما میزان و حدود آن برای مرد و زن متفاوت است. برای مثال، زنان بهدلیل حضور بیشتر در خانه و امکان بیشتر برای پاسخ‌گویی به

نیازهای همسر باید در حد امکان و براساس شرع به این نیازها پاسخ دهند. مردان به دلیل اشتغال و مسئولیت تأمین معاش، زمان کمتری برای حضور در منزل دارند. بنابراین، توقع کمتری از آنها در این زمینه وجود دارد. مقدار واجب تمکین بر مرد تا چهارماه تعیین شده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۷، ۳۱۵/۲)، هرچند از نظر اخلاقی، مردان باید با توجه به شرایط جسمی و نیازهای زن در برآورده کردن نیازهای او مشارکت کنند. اگر زنی با اجازه همسر خود شاغل باشد مرد نمی‌تواند همان انتظاری که از یک زن خانه‌دار دارد از او نیز داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

## ۶. خروج زوجه از منزل بدون اذن زوج

### ۶-۱. شرط ضمن عقد

اگر در ضمن عقد نکاح، شرط شود که زن اجازه خروج از منزل داشته باشد یا اینکه عقد نکاح با علم شوهر به شغل زن و توافق بر آن منعقد شده باشد به نظر مشهور فقهای امامیه، زن برای خروج از خانه برای انجام وظایف شغلی نیازی به اجازه همسر ندارد. در این موارد، اذن شوهر محل بحث نیست.

### ۶-۲. انجام واجبات شرعی

اگر خروج زن از خانه برای انجام واجبات شرعی مانند حج واجب یا فراغیری احکام واجب باشد اگر امکان فراغیری آنها در خانه وجود نداشته باشد زن می‌تواند بدون اجازه همسر از منزل خارج شود. در این مورد بین فقهای امامیه اختلافی وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱۴/۳؛ حلی، ۱۴۰۸، ۱۰۸/۳؛ کیان‌فرد، ۱۴۰۱، ص ۱۴۴)

### ۶-۳. خروج بدون منافات با حق استمتاع زوج

اگر خروج زن از منزل برای انجام واجب نباشد، اما با حق استمتاع شوهر هم منافاتی نداشته باشد برای مثال هنگامی که شوهر در سفر است یا در محل کار حضور دارد برخی فقهای امامیه اختلاف نظر دارند. مشهور فقهای امامیه خروج زن را بدون اجازه شوهر جائز نمی‌دانند، اما برخی

مانند آیت‌الله خویی با این شرط که خروج زن با حق استمتاع شوهر منافاتی نداشته باشد این خروج را مجاز می‌دانند. آیت‌الله خویی از باب احتیاط، نظر مشهور را پذیرفته است.

## ۷. بررسی اقوال فقهاء

### ۷-۱. عدم جواز خروج زوجه بدون اذن شوهر

مشهور فقهاء امامیه خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر را به طور مطلق ممنوع می‌دانند، حتی اگر با حق استمتاع شوهر منافاتی نداشته باشد. برای مثال، شیخ مفید می‌گوید: «بر زن واجب است که از شوهر خود اطاعت کند و در غیر از آنچه که خداوند حرام کرده از او نافرمانی نکند. همچنین زن بدون اجازه همسر، حق خروج از خانه را ندارد» (مفید، ۱۴۱۰، ص ۳۸). این دسته از فقهاء به آیات و روایات متعدد برای اثبات نظر خود استناد می‌کنند. برای مثال، به آیه «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) استناد می‌شود که بواسطه آن، برخی فقهاء قیومیت و سلطه بی‌قید و شرط مرد بر زن را استخراج کرده‌اند.

### ۷-۲. جواز خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر

در مقابل قول مشهور فقهاء امامیه، برخی از فقهاء خروج زوجه از منزل را در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، جایز می‌دانند. این گروه معتقدند دلیلی بر حرمت مطلق خروج زوجه از خانه بدون اذن شوهر وجود ندارد، حتی اگر برای کارهای جزئی مانند بیرون گذاشتن زباله باشد. در شرایط خاص مانند غیبت شوهر به دلیل سفر یا زندانی شدن، زوجه می‌تواند برای دیدار بستگان یا زیارت امام حسین علیه السلام با رعایت موارد شرعی از منزل خارج شود. در چنین مواردی، لزوم اذن شوهر هیچ مبنای قاطعی ندارد، برخی از فقهاء که حکم به عدم جواز خروج زوجه بدون اذن شوهر داده‌اند با دقت در عبارتشان مشخص می‌شود که مقصود آنها خروج غیر متعارف و بی‌بازگشت زوجه است به طوری که زن از انجام وظایفش سر باز زده و حق شوهر را نادیده گرفته و از خانه خارج شده و پس از بازگشت نیز به وظایف خود عمل نمی‌کند. بنابراین، در چنین مواردی این فقهاء نیز با گروه اول موافق هستند.

## ۸. مواردی که در آنها اذن شوهر لازم نیست

مواردی که در آنها اذن شوهر لازم نیست عبارتند از: خروج از خانه برای پرداخت بدهی، زمانی که بدون خروج پرداخت ممکن نباشد؛ خروج از خانه برای یادگیری مسائل دینی؛ خروج برای تحصیل علم، مگر اینکه زن قبل از ازدواج از این موضوع آگاه بوده و در ضمن عقد نیز شرط کرده باشد که پس از ازدواج می‌تواند به تحصیل علم بپردازد. در این صورت نیز نیازی به اجازه شوهر ندارد؛ خروج در حالت اضطرار مانند علاج بیماری که اگر فوری درمان نشود به ضرر زن منجر می‌شود؛ سفر حج در صورتی که زن استطاعت مالی برای آن داشته باشد.

## ۹. عدم رعایت حق زوج در تعیین محل اقامت (سکونت)

یکی از حقوق غیرمالی مرد بر زن، اختیار تعیین محل سکونت است که در اختیار مرد است.

### ۹-۱. معانی اقامت یا سکونت

در زبان فارسی، معانی مختلفی برای اقامت ذکر شده است از جمله: جای‌گزیدن، زیستن و به جایی آمدن. (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه اقامت)

### ۹-۲. تفاوت سکونت و اقامت

در اصطلاح حقوقی، مسکن به محلی گفته می‌شود که فرد در آن زندگی مادی دارد درحالی که اقامت به مرکز زندگی حقوقی فرد اشاره دارد. یک شخص نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲) در حالی که می‌تواند چندین مسکن داشته باشد. (شاپیگان، ۱۳۹۶/۱، ۱۸۳؛ سلجوقی، ۱۴۰۱، ص ۸۷)

نکته: سکونت به این معناست که پس از ازدواج، تعیین محل سکونت زوجه بر عهده زوج است.

یکی از حقوق غیرمالی مرد در ازدواج، تعیین محل سکونت است که خداوند به طور مطلق به او واگذار کرده است. فلسفه این حکم آن است که از نظر شرعی، خروج زن از منزل برای هر کاری با موافقت شوهر صورت می‌گیرد و شوهر حتی حق دارد از خروج او جلوگیری کند. (موسوی خمینی،

۱۴۰۷، ۳۰۳/۲؛ حسینی طهرانی، ۱۴۲۱، ۳۱۴/۲) هر دو طرف می‌توانند در ضمن عقد شرط کنند که زن اختیار تعیین محل اقامت را داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲/۱، ۴۳۲).

## ۱۰. عدم پذیرش ریاست و قوامیت مرد

یکی از اهداف تربیتی اسلام، تحکیم مبانی نظام خانواده است که اساس همه نظام‌های اجتماعی است. همان‌طور که هر نظامی به مدیریت نیاز دارد اسلام نیز در میان اعضای خانواده، شوهر را مدیر انتخاب کرده است؛ زیرا تحمل او در برابر مشکلات بیشتر است و یا به دلایل دیگر. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱، ۱۴۸/۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۴۳۲ - ۴۳۵)

### ۱۰-۱. آیات

- خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند از نظر نظام اجتماع برای برخی نسبت به برخی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان در مورد زنان می‌کنند». (نساء: ۳۴) این آیه بیان‌گر آن است که مردان مسئولیت ولایت و سرپرستی زنان را برعهده دارند. شهید مطهری نیز ریاست خانواده را حقوق طبیعی مرد می‌داند؛ زیرا مرد در خانواده سه سرمایه دارد: جسم، روح و مال. در حالی که زن فقط دو سرمایه جسم و روح را دارد (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۸۰/۵).

- آیه‌ای از سوره بقره به حقوق متقابل زن و شوهر اشاره دارد: «ولهن مثل الذى عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجة؛ و برای آنان همانند وظایفی که بردوش آنهاست حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند». (بقره: ۲۲۸)

### ۱۰-۲. روایات

در تفسیر علی بن ابراهیم از این آیه آمده است: «حقوق مرد بر زن برتر است از حقوق زن بر مرد». (قمی، بی‌تا، ۷۴/۱) روایات متعددی نیز در باب ریاست شوهر و اطاعت زن از او ذکر شده است. امام

جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خداؤند رحمت کند مردی را که با همسر خود به نیکی رفتار می‌کند».

همچنین، خداوند مرد را سرپرست و قیم زن قرار داده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴/۳، ۳۸۱).

## ۱۱. دامنه قوامیت شوهر بر زن

### ۱-۱۱. قوام در لغت

قوام در لغت صیغه مبالغه از ریشه قیام و به معنای ایستادگی و بربار داشتن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۳/۵) کلمه قوام و جمع آن قوامون به معنای خوش قامت (شرطونی، ۱۴۱۶، ۴۴۳/۴، فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۱۳۸/۴) امیر و کسی است که مسئولیت و تکفل امور را برعهده دارد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۱۳۸/۴). اهل لغت در تعریف ماده قیام آن را به معنای رئیس، سرور و سیاستمدار امر نیز آورده‌اند. به‌گفته برخی لغویان در برخی گویی‌های عربی، شوهر را قیم زن می‌نامند؛ زیرا او برای امور و نیازهای زن قیام می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۴۷/۵).

### ۲-۱۱. ضرورت وجود قوامیت در خانواده

در هر جامعه باید فردی مسئولیت هماهنگی امور را برعهده داشته باشد و در صورت اختلاف، نظر نهایی را اعلام کند. خانواده نیز از این قاعده مستثنان نیست؛ زیرا خانواده، جامعه‌ای کوچک بوده که نیازمند یک مسئول و تصمیم‌گیرنده نهایی است. اگر خانواده فاقد رئیس باشد و زن و مرد در اداره امور برابر باشند در صورت بروز اختلاف در هر مسئله کوچکی ممکن است نیاز به مراجعت به دادگاه پیدا کنند که این امر می‌تواند صلح و آرامش خانواده را برهم زده و بنیان زندگی زناشویی را متزلزل کند. ریاست خانواده در چارچوب شرع، عقل و عرف مقامی است که به منظور تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است نه اینکه امتیاز یا حق فردی برای شوهر باشد تا او تصور کند که اعضای خانواده تحت سرپرستی اش به مثابه برده‌گان او هستند و می‌توانند هرگونه اعمال قدرتی که بخواهد، انجام دهد. (طاهری، ۱۳۹۱، ۱۹۸/۳) بنابراین، اگرچه قوامیت و ریاست شوهر بر خانواده نوعی مسئولیت و تکلیف برای حفظ بنیان خانواده است، اما این قوامیت نیز شروط و حدودی دارد. به‌گفته بسیاری از علماء، قوامیت شوهر بر زن تنها در حوزه مسائل خانوادگی و

همسرداری است و حتی در این حوزه نیز محدود به برخی جنبه‌های است مانند اجازه خروج از منزل و سایر مسائل کوچک خانوادگی (سبحانی، ۱۴۱۶/۱/۵۶).

## ۱۲. عدم رعایت حجاب

حجاب یکی از مهمترین مباحث مرتبط با زنان، خانواده و جامعه است. تمام فقهای امامیه و مذاهب دیگر بر اصل حجاب اتفاق نظر دارند و آن را از ضروریات دین می‌دانند. قرآن کریم نیز به صراحة در آیات مختلف به این موضوع پرداخته است. آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فَرْوَجَهِنَّ وَلَا يَبْدِيْنَ زِينَتَهِنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمْرِهِنَّ وَلَا يَبْدِيْنَ زِينَتَهِنَّ إِلَّا لِبَعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءَ بَعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بَعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانَهِنَّ أَوْ بَنِيِّ إِخْوَانَهِنَّ أَوْ بَنِيِّ أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَاءَهِنَّ أَوْ مَلْكَتِهِنَّ أَيْمَانَهِنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الْطَّفَلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عُورَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبُنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنَاتُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ».

این آیه توصیه می‌کند که زنان مؤمن باید نگاه‌های خود را فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز در موارد خاص آشکار نسازند. همچنین بیان می‌کند که زنان باید سینه‌های خود را با روسربی پوشانند و زیورآلات خود را تنها برای افرادی که در آیه ذکر شده‌اند، آشکار کنند. چرا در اسلام بر حجاب تأکید شده و آیا حجاب به معنای پرده‌نشینی است. حجاب در اسلام به چه معناست. آیا این حکم در مورد نیمی از بشریت مناسب است. چنین سؤالاتی گاه از سوی مغرضان مطرح می‌شود و در آن نوعی مغالطه وجود دارد که ناشی از تغییر معنای حجاب در عرف عمومی است.

حجاب در لغت به معنای پرده‌ای است که میان دوچیز قرار می‌گیرد تا دیده نشوند مانند پرده‌هایی که حکام جور میان خود و مردم قرار می‌دهند تا از دسترس مردم دور باشند. حجاب در اصل به معنای پوشش نیست، اما در عرف امروز به معنای پوشش زن به کار رفته است. در گذشته و در اصطلاح فقهاء از واژه ستر به معنای پوشش استفاده می‌شد. این تغییر معنایی موجب شد تا

برخی تصور کنند که اسلام خواسته است زنان همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشند.

(مطهری، ۱۳۸۶، ص ۶۴)

### ۱-۱۲. معانی حجاب

حجاب از ریشه حجب است و در زبان عربی دو معنای اصلی دارد:

#### ۱-۱-۱. ایجاد مانع یا حائل بین دو چیز

حجاب می‌تواند به موانعی میان دو امر مادی و حسی یا امور معنوی و غیرحسی اطلاق شود. حجاب

و حجب به معنای جلوگیری از رسیدن دو چیز به یکدیگر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹)

#### ۱-۱-۲. پوشش یا ستر

معنای دوم حجاب، پوشش است. در این معنا، حجاب درونی به معنای مانعی است که بین قلب و سایر اعضای بدن قرار می‌گیرد. (جوهری، ۱۴۰۴، ص ۱۰۴) این منظور نیز حجاب را به معنای ستر یا پوشش آورده و حجبه به معنای پوشاندن است. برای مثال، زن محجوب زنی است که پوشیده باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳/۵۰). در زبان فارسی، حجاب به معنای پرده، مانع یا حائل بین دو چیز است (دهدخدا، ۱۳۷۷، ۶/۸۶۹۹).

### ۲-۱۲. کاربرد واژه حجاب در قرآن

کلمه حجاب در قرآن هفت بار به کار رفته و بیشتر به معنای مانع یا پرده است. واژه ستر در گذشته و در فقه به معنای پوشش مطرح بوده و فقهاء در کتاب‌های الصلاه و النکاح به جای واژه حجاب از ستر استفاده کرده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۴/۱۶۲-۱۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۹/۷۵-۸۰) بین فقهاء اسلام اختلافی در این نیست که پوشش تمام بدن زن به جز دست‌ها و پاهاتا مج بر زن واجب است. آیه ۳۱ سوره نور نیز به این موضوع اشاره دارد.

### ۳-۳. مقدار حجاب واجب

اسلام درباره میزان حجاب واجب بزرن تأکید کرده و این مقدار در رساله‌های عملیه مراجع تقلید بیان شده است. پوشاندن تمام بدن به جز دست‌ها تا انگشتان بزرن واجب است. شهید مطهری نیز از نظر فقهی حجاب را این‌گونه تعریف کرده که بزرن در معاشرت با مردان بدن خود را پوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی پرهیز کند. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۷۹)

### ۴-۴. وجوب حجاب از دیدگاه اسلام

اسلام بر حجاب شرعی تأکید بسیاری دارد. هرچند بحث حاضر به وجوب حجاب مربوط نیست، اما برخی نکات رامی‌توان مطرح کرد. تمام مسلمانان از زن و مرد قائل به وجوب حجاب هستند و آن را قبول دارند. برخی فقهاء مانند صاحب جواهر در کتاب النکاح به حرمت نگاه به ریبه اشاره کرده‌اند: «انظر الریبه مطلقاً حتی الی الوجه محرم بالضرورته؛ نگاه همراه با ریبه حتی به چهره نیز به طور مطلق حرام است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۷۰/۲۴).

### ۵-۵. آیات و روایات در مورد حجاب

#### ۱-۵-۱. آیات

خداآوند در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوُا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فِرْوَجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ اِي رَسُولٌ! بِهِ مَرْدَانٌ مُؤْمِنٌ بِكَوْ كَهْ چشمان خود را از نگاه به نامحرم بینندند و پاکدامنی خود را حفظ کنند. این برای پاکی آنان بهتر است؛ زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است». این آیه به وجوب پوشاندن چشمان از نگاه به نامحرم و حرمت نگاه به آنها دلالت دارد. از این حکم نتیجه می‌شود که نگاه کردن به زنانی که حجاب ندارند، حرام است و این امر موجب عسر و حرج می‌شود؛ زیرا در هر مکانی که نگاه کیم، ممکن است زنان بدون حجاب دیده شوند. بنابراین، نگاه خود را باید کنترل کرد تا به این شرایط دچار نشد (نجفی، ۱۴۰۴، ۷۰/۲۹).

## ۱۲-۵. روایات

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «لایصلاح للمراته المسلمته ان تلبس من الثياب ما لا يسْتَرُهَا لايصلاح للمراته المسلمته ان؛ برای زن مسلمان جایز نیست که تنها روسری و پیراهن بپوشد و بدنش را نپوشاند»؛ «تلبس من الثياب ما لا يسْتَرُهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۱۸۱/۳). پیامبر ﷺ فرمود: «یکی از گروه‌هایی که وارد جهنم می‌شوند زنان بد حجاب هستند که خود را برای فریب و فتنه‌انگیزی آرایش می‌کنند» (متقی، ۱۴۰۹، ۳۸۳/۱۶). حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای پایانی زندگی به اسماء فرمود: «من بسیار ناخوشایند می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با پارچه‌ای ساده بپوشانند به‌گونه‌ای که حجم و اندامشان قابل رؤیت باشد. مرا بر تختی قرار ندهید که اطراف آن باز است و دیگران بتوانند اندامم را مشاهده کنند، بلکه مرا با پوششی کامل تشییع کنید. خداوند تو را از آتش جهنم محفوظ بدارد» (طوسی، ۱۴۰۷، ۴۲۹/۱).

## ۱۲-۶. آثار فردی و اجتماعی حجاب در خانواده

خداوند حجاب را بر زن واجب کرده است. زن باید در جامعه در برابر نامحرم حجاب خود را رعایت کند؛ زیرا زن نقش محوری در خانواده دارد و ارزش او در اجتماع بیشتر از مرد است. اگر زن به دستورات خداوند عمل کند مقام او در جامعه بالا رفته و در آخرت نیز به مقامی والا دست می‌یابد.

## ۱۲-۶-۱. آرامش روانی

اول) نبودن حریمین زن و مرد؛ معاشرت‌های بی‌بند و بوار، التهاب‌های جنسی را افزایش می‌دهد و تقاضای جنسیتی را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. غریزه جنسی نیرومند و عمیق است و هرچه بیشتر به آن پاسخ داده شود سرکش‌تر می‌شود همانند آتشی که با افزودن هیزم، شعله‌ورتر می‌شود. روایات بسیاری درباره خطر نگاه‌های ناپاک، خلوت با نامحرم و غریزه‌ای که زن و مرد را به یکدیگر پیوند می‌دهد وارد شده است. اسلام برای تعديل و کنترل این غریزه تدابیری اندیشیده و هم برای مردان و هم برای زنان تکالیفی معین کرده است. یک وظیفه مشترک که برای هردو جنس مقرر شده کنترل نگاه است. در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور آمده است: «قل

للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم و قل للمؤمنات يغضبن من أبصارهن ويحفظن فروجهن». زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند و نگاههای شهوتآلود داشته باشند. زنان باید بدن خود را از نامحرمان بپوشانند و در اجتماع بهگونهای ظاهر نشوند که موجب تحریک مردان بیگانه شوند.

دوم) استحکام پیوند خانوادگی: هر عاملی که موجب تحکیم پیوند خانواده و افزایش صمیمیت بین زوجین شود باید تقویت شود و بالعکس، هر عاملی که موجب سستی روابط زناشویی و دلسوزی زوجین شود باید با آن مقابله کرد. اختصاص لذت‌های جنسی به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج مشروع، پیوند زناشویی را مستحکم‌تر می‌کند. فلسفه پوشش و منع بهره‌برداری جنسی از غیرهمسر مشروع از دیدگاه اجتماعی این است که همسر قانونی فرد از نظر روانی، عامل خوب‌بخشی او باشد، در حالی که در سیستم آزادی جنسی، همسر قانونی، رقیب و مزاحم تلقی شده و این امر موجب ایجاد دشمنی و نفرت در کانون خانواده می‌شود. پاک‌ترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین زمانی برقرار می‌شود که زن و مرد از هرگونه لذت‌جویی از غیرهمسر چشم بپوشند. مرد نباید به زن دیگری نگاه کند و زن نیز نباید در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز همسر خود باشد. این اصول حتی پیش از ازدواج نیز باید رعایت شوند. امام علی علیہ السلام نوشت: «سخت‌گیری در امر حجاب برای زن و شوهر بهتر از شک و بدگمانی است» (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۸).

سوم) استواری اجتماع: انتقال تمتعات جنسی از محیط خانه به جامعه، نیروی کار و فعالیت‌های اجتماعی راضعیف می‌کند. برخلاف آنچه مخالفان حجاب انتقاد کرده‌اند و گفته‌اند که حجاب موجب فلچ کردن نیروی نیمی از افراد جامعه است در حقیقت آنچه موجب فلچ کردن نیروی زنان و محبوس کردن استعدادهای آنها می‌شود حجابی نیست که به معنای زندانی کردن زن باشد و او را از فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محروم کند. در اسلام چنین مفهومی وجود ندارد. اسلام هرگز نمی‌گوید که زن از خانه بیرون نرود، بلکه تحصیل علم و دانش را فرضه‌ای مشترک میان زن و مرد می‌داند و فعالیت اقتصادی را برای زن ممنوع نمی‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بی‌کار و بی‌عار در خانه بنشیند و فردی عاطل و باطل بارآید. پوشاندن بدن به جز صورت و دست‌ها (وجه و کفین)

مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمی‌شود. آنچه موجب فلجه کردن نیروی اجتماعی می‌شود آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است.

چهارم) ارزش و احترام زن: خداوند متعال در اسلام برای زن مرتبه و مقامی بلند در نظر گرفته و بر مرد واجب کرده است که به زن احترام بگذارد. هرچند زن از نظر جسمانی قوی‌تر از مرد نیست، اما از نظر عاطفی و قلبی، خود را بر مرد اثبات کرده است. حفظ حریم میان زن و مرد یکی از وسایلی است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن بهره می‌برد. اسلام به زن آموخته است که از این وسیله استفاده کند و تأکید کرده است که هرچه زن با وقارتر و متین‌تر رفتار کند و خود را در برابر نامحرم به نمایش نگذارد احترام بیشتری کسب می‌کند. قرآن به زنان توصیه می‌کند که خود را بپوشانند و می‌فرماید: «ذلک أدنى أن يعرفن فلايؤذين؛ اين كار برای آن است که به عفاف شناخته شده و اذیت نشوند اين عمل بهتر است» (احزاب: ۵۹) (جعفریان، ۱۴۲۸/۱، ۲۶۰). پیامبر ﷺ درباره احترام به زن فرمود: «بهترین شما آن کسی است که با خانواده خود بهترین رفتار را داشته باشد و من بهترین شما با خانواده ام هستم. جز انسان‌های پست، زنان را تحقر نمی‌کنند» (ابن عساکر، ۱۴۰۷/۷، ۵۰). در جای دیگر نیز فرمود: «هر کس همسری دارد باید به او احترام بگذارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹/۱۴، ۲۴۹).

### ۱۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخی مناسب به این سؤال بوده است که مهمترین رفتارهای مخرب زوجه نسبت به زوج از نظر فقه امامیه چیست؟ پس از بررسی دیدگاه فقه امامیه، یافته‌های تحقیق استخراج شد. رفتارهای مخرب زوجه از دیدگاه فقه امامیه اموری مانند عدم تمکن، خروج از منزل بدون اجازه، عدم پذیرش ریاست شوهر و عدم رعایت حق او در تعیین محل سکونت است. این رفتارها موجب فروپاشی بنیان خانواده می‌شود. از این‌رو، فقه امامیه تلاش می‌کند با ارائه راهکارهای مناسب از بروز این مشکلات جلوگیری کرده و به استحکام روابط زوجین کمک کند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- \* نهج البلاغه (۱۳۶۸). گردآوری: شریف رضی. مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. تهران: بی‌نا.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابن فارس، ابوالحسن (۱۴۰۴). معجم مقائیس اللعنه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۰۷). نہذب تاریخ دمشق الكبير. بیروت: داراحیاء التراث العربي.
۵. تبریزی، جواد (۱۴۲۲). صراط النجاه فی اجویه الاستفتائات. قم: دارالصدیقه الشهیده.
۶. جعفریان، رسول (۱۴۲۸). رسائل حجاییه. قم: دلیل ما.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). الصحاح. قاهره: دارالحدیث.
۸. حرمعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۲۱). ولایت فقیه در حکومت اسلام. مشهد: علامه طباطبائی.
۱۰. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. محقق و مصحح: عبدالحسین محمدعلی بقال. قم: اسماعیلیان.
۱۱. خوری شرتونی، سعید (۱۴۱۶). اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد. قم: دارالاسوه.
۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحين. قم: مدینه العلم.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالشامیه.
۱۵. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۱۶. سبحانی، جعفر (۱۴۱۶). نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام.
۱۷. سلجوqi، محمود (۱۴۱۰). حقوق بین الملل خصوصی. تهران: میزان.
۱۸. سیستانی، علی (۱۳۹۵). منهاج الصالحين. قم: مؤسسه التشریع الاسلامی.
۱۹. شایگان، علی (۱۳۹۶). حقوق مدنی ایران. تهران: مهر کلام.
۲۰. صfi پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۹۹). فرهنگ عربی به فارسی. تهران: سناپی.
۲۱. طاهری، حبیب الله (۱۳۹۱). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی) (۱۴۱۳). مسلال الافهام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۲). جامع المسائل، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۲۵. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الاہمام عن قواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (بی‌تا). تفسیر القمی. تصحیح: الجزائری، سید طیب الموسوی. بی‌جا: بی‌نا.
۲۷. قنبریور، بهنام (۱۳۹۱). شرط عدم تمکین در عقد نکاح در فقه امامیه و اهل سنت. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). حقوق مدنی و قابع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۹. کیان فرد، فریده (۱۴۱۰). بررسی خروج زوجه از منزل و اذن زوج از دیدگاه فقه امامیه. نشریه پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پژوهش، سال ۵(۵)، ۱۴-۱۵.
۳۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹). کنزالعمل فی سنن الاقوال والافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۱. محمدی، مرتضی (۱۳۸۳). تمکین؛ قدرت زنان یا خشونت مردان. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۲۳(۴۱)، ۴۱-۶۷.

٣٢. مطهری، مرتضی (١٣٨٦). مسئله حجاب. قم: صدرا.
٣٣. معین، محمد (١٣٨٦). فرهنگ معین. تهران: زرین.
٣٤. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید) (١٤١٥). المقنعه. قم: جامعه مدرسین.
٣٥. موسوی خمینی، سید روح الله (١٣٩٧). مناسک حج. قم: پژوهشکده حج و زیارت.
٣٦. موسوی خمینی، سید روح الله (١٤٠٧). تحریرالوسائله. بیروت: بی نا.
٣٧. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (بی تا). مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
٣٨. نجفی، محمدحسن (١٤٠٤). جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربي.